

نقش صنعت نفت در توسعه اجتماعی - فرهنگی زنان جوامع محلی با رویکرد مسئولیت اجتماعی شرکت های نفتی سکینه الماسی^۱

چکیده

توسعه صنعتی و پیشرفت های فناورانه در مناطق نفت خیز مبناهایی را برای تغییر از یک جامعه محلی به جامعه ای صنعتی فراهم کرده است. بی تردید برای توسعه هر جامعه ای توجه به زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی ضرورتی اجتناب ناپذیر است. هدف از این تحقیق بررسی نقش صنعت نفت در توسعه اجتماعی - فرهنگی زنان جوامع محلی (مناطق نفت خیز) با تکیه بر رویکرد مسئولیت اجتماعی شرکت های نفت و گاز بوده است. در این پژوهش، توسعه در حوزه اجتماعی از منظر ابعادی چون شهرگرایی، رشد آموزشی، تحرک اجتماعی، نابرابری اجتماعی و در حوزه فرهنگی از منظرهای تغییر فرهنگی، ارزش های فرهنگی و نیز در حوزه مسئولیت اجتماعی از منظر تعهد به ارتقاء سطح کیفیت آموزشی مورد بررسی واقع شده است. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از طریق پرسشنامه گردآوری و در نهایت توسط نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. تأیید ۶ فرضیه از ۷ فرضیه موجود در این پژوهش، حاکی از آن است که هرچند صنعت نفت سبب توسعه شده اما این توسعه به صورت متوازن و هماهنگ نبوده است و نیازمند توجه به اهمیت رویکرد مسئولیت اجتماعی در سطح خرد و کلان می باشد.

کلید واژه: صنعت نفت، توسعه اجتماعی - فرهنگی، زنان جوامع محلی، مسئولیت اجتماعی

^۱. دانشجوی دکتری رشته جامعه شناسی (گرایش اقتصاد و توسعه)

بیان مساله

توسعه نوع یا حالتی از دگرگونی اجتماعی است که انسان برای دستیابی به نیازها و خواسته های خود در محیط می کند. او همواره تلاش می کند محیط زیستی و اجتماعی خود را در جهت پاسخگویی به نیازهای خویش دگرگون کند. توسعه در مفهوم قوی خود، به معنای استفاده از منابع تولید جامعه جهت بهبود شرایط زندگی فقیرترین افراد است. و در معنای ضعیف خود به معنای سهم بیشتر از همه چیز برای تمامی افراد در چارچوب بیشترین سهم برای عده ای انگشت شمار (از کیا، ۱۳۸۹: ۱۶).

اسملسر توسعه را فرایندی از تمایز می داند که با ظهور شکل های جدیدی از یگانگی همراه است. او استدلال می کند که جریان توسعه و فرایند تمایز و یگانگی، پیوستاری بدون انقطاع نیست، بلکه همواره گسستگی هایی در کار است که موجب بروز اغتشاش های اجتماعی می شود. تعبیر اسملسر از گسستگی ها کلی و ناظر بر همه نابسامانی هایی است که به طور پیوسته تاخیرها و اختلال هایی را در سرعت حرکت جامعه به سوی هدف های انتخاب شده موجب می شوند. (اسملسر، ۱۳۹۶).

مایکل تودارو در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم می نویسد: «توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست، که مستلزم تغییراتی اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است» (تودارو، ۱۳۷۰، ۱۳۵).

ورود صنعت، خاصه صنایع مدرن به جوامع و اجتماعات محلی موجب دگرگونی هایی در ساختار منطقه می شود که یکی از نتایج آن توسعه صنعتی منطقه است. در بیشتر موارد این توسعه صنعتی منجر به توسعه اجتماعی و فرهنگی منطقه نشده است و این عدم تحقق توسعه انسانی در بسیاری از موارد موجب اختلال در پیشبرد پروژه های توسعه ای و صنعتی نیز گردیده است، که زیانهای مالی و غیر مالی فراوانی را به دنبال داشته است. در حالیکه می توان طی برنامه ای مشخص به این مهم دست یافت بطوریکه با توسعه پایدار، علاوه بر افزایش تأثیرات مثبت و کاهش تأثیرات منفی به پایداری توسعه اقتصادی و منافع حاصل از آن در منطقه و نیز در سطح کشور کمک نمود. از طرفی به علت پیچیدگی جوامع محلی و ارتباط شدید مؤلفه های مختلف مؤثر بر رفتار آنها و تنوع این مؤلفه ها و تفاوت های آنها در جوامع مختلف محلی، ضرورت مطالعه اجتماعات محلی مرتبط با پروژه و ارزیابی تأثیرات عوامل اجتماعی و فرهنگی بر پروژه ها در کنار سایر ارزیابی هایی که برای پروژه ها انجام می شود، احساس می شود. (مسلمی، فضلی، اسماعیل پور، ۱۳۸۵، ص ۱)

اگر به عامل فرهنگ در توسعه کم توجهی شود، تمام تصمیمات و برنامه های ما دچار ناکامی خواهد شد. مشارکت نیز شدیداً تحت تأثیر فرهنگ است و نقش به سزایی در توسعه ایفا می کند. مشارکت اصل لازم نوسازی اجتماعی و توسعه همه جانبه است که به دنبال خود رشد اقتصادی را دارد.

مشارکت شامل شفافیت، بازبودن فضای جامعه و چندصدایی بودن حوزه عمومی جامعه است. مشارکت امکان تصمیم‌گیری افراد را که در سرنوشت خودشان مؤثر است، بالا می‌برد و به این ترتیب همه می‌توانند در اثربخشی همیاری کنند.

اگر مشارکت به طور مطلوب مورد توجه قرار گیرد، باعث می‌شود بین سیاست‌های اتخاذشده دولت و شرایط اجتماعی، سازگاری بیشتری برقرار شود و برای اجرای این سیاست‌ها در ابعاد مختلف، فضای روانی و فرهنگی بهتری ایجاد شود.

نقش فرهنگ در مشارکت، اعم از مشارکت زنان، مشارکت مردان و همچنین چگونگی و میزان مشارکت بسیار حائز اهمیت است. توسعه صنعتی می‌تواند با لحاظ کردن یک سری شرایط منجر به توسعه اجتماعی گردیده و از طرفی پیامدهای توسعه اجتماعی می‌تواند به نوبه خود تأثیر بسیار زیادی در پیشبرد اهداف طرح‌های توسعه‌ای داشته و حتی موجب افزایش سودآوری اقتصادی طرح گردد. (توحید فام، محمد ۱۳۸۶، ص ۴۸)

از طرف دیگر مطالعات نشان می‌دهد بسیاری از مشکلات و موانع به وجود آمده در مسیر اجرای پروژه‌ها، به دلیل قضاوت‌های سطحی در مورد افراد و گروه‌های درگیر و ذینفع در پروژه و عدم تعامل مناسب با آنها و براساس انتظارات و ارزشهای آنها بوده است. (مسلمی، فضلی، اسماعیل پور، ۱۳۸۵، ص ۱) این نوع قضاوت‌ها، موجب نادیده گرفتن محدودیت‌های اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه محلی، دست کم گرفتن گروه‌های ذی نفوذ و مرجع و در نتیجه موجب بروز مشکلات فراوان و تحمیل زیان‌های فراوان بر سر راه پروژه‌های ملی و منطقه‌ای بویژه در صنعت نفت و گاز (که می‌توان گفت بزرگترین و مهمترین صنایع کشور و دارای ویژگی‌های سیاسی-اقتصادی فوق العاده‌ای است) می‌شود.

نیاز به تحلیل مناسب اجتماعی برای پروژه‌های توسعه‌ای از طبیعت خود فرآیند توسعه اقتصادی سرچشمه می‌گیرد، فرآیندهای اقتصادی در یک خلاء روی نمی‌دهد بلکه همواره در یک پس زمینه اجتماعی جای می‌گیرند که جهت و شکل و نتایج آنها را مورد تأثیر قرار می‌دهد (Participation Social Assessment, p.28, 1998)

امروزه مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) مفهومی وسیع تر از فعالیتهای گذشته دارد. مسئولیت اجتماعی به طور اعم، به مجموعه فعالیتهایی گفته می‌شود که صاحبان سرمایه و بنگاه‌های اقتصادی به صورت داوطلبانه، به عنوان یک عضو مؤثر و مفید در جامعه، انجام می‌دهند. در واقع مسئولیت اجتماعی، تعهد تصمیم‌گیران برای اقداماتی است که به طور کلی علاوه بر تأمین منافع خودشان، موجبات بهبود رفاه جامعه را نیز فراهم می‌آورند

سازمان‌ها باید با اختصاص منابع مالی در بهبود رفاه اجتماعی مورد قبول اکثریت جامعه بکوشند. این قبیل اقدامات عبارتند از کمک به موسسات فرهنگی و بهبود کیفیت زندگی، حفاظت از محیط زیست و تعهد به ارتقاء سطح کیفیت آموزشی برای بهره‌برداری از فرصت‌های شغلی مردم منطقه پیرامونی خود است،

برای دست‌یابی به توسعه پایدار و درونزا، در هر جامعه‌ای نیاز به توسعه زنان احساس می‌شود. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند تنها با نیروی نیمی از جمعیت خود، با توسعه جهانی رقابت کند.

از ابتدای صنعتی شدن جامعه شناسان و دیگر صاحب نظران در باره ی توجه به توسعه زنان دیدگاههای متفاوتی داشته اند، و هر یک از آنها با توجه به مسائل زمان خود این موضوع را بررسی کرده اند.

تاکید بر توسعه انسانی (توسعه اجتماعی و فرهنگی در بر می گیرد در این رویکرد از زنان به عنوان مهمترین عامل توسعه انسانی یاد شده است. و این موضوع (توسعه انسانی) با توسعه فرهنگی، اقتصادی و صنعتی هم ارزش در نظر گرفته شده است.

این رویکرد در پی ارایه فرصت های مساوی برای زنان مانند مردان در کلیه بخش های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سیاسی است تا زمینه را برای عدالت اجتماعی مهیا کند. در واقع رعایت انصاف و عدالت ایجاب می کند که زنان نیز در فرآیند سیاست گذاری، تصمیم سازی و تصمیم گیری مشارکت کنند و با تصویب قوانین از حقوق کامل برخوردار باشند. (گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶، ص ۵۶۰)

در بیشتر تعریف هایی که از توسعه و جوامع توسعه یافته می شود، حضور زن در جامعه و فعالیت مستقیم او در جامعه یکی از شاخص های اصلی توسعه یافتگی است.

با توجه به این تعریف هر جامعه ای که بخواهد از روند توسعه جهانی عقب نماند باید زمینه ی توسعه و مشارکت زنان در جامعه را فراهم کند. و این تغییر بزرگی برای جامعه ی ماست.

ایجاد هر تغییر عمده ای در جامعه نیاز به زمینه سازی دارد، و یکباره صورت نمی گیرد. جامعه ما نیز باید از نیروی متخصص زن خود برای پیشبرد اهداف توسعه کشور استفاده کند و کم کم زمینه ی کاری را برای دیگر زنان جامعه فراهم کند. برای این کار ابتدا باید فرهنگ سازی لازم برای توانمند سازی زنان، ایجاد تحرک اجتماعی مناسب، کم کردن نابرابری های اجتماعی، تغییر در شیوه زندگی و رشد و گسترش آموزش که همگی برآمده از یک عزم ملی و توجه به قشر زنان در جوامع محلی است که شرکت های نفتی به فعالیت مشغولند و توسعه اقتصادی زمانی می تواند نمود عینی داشته باشد که مسئولیت اجتماعی شکل واقعی بخود بگیرد. و این امر باعث می گردد توسعه پایدار همه جانبه در بین تمام قشرها صورت گیرد.

در این مقاله سعی شده است به اهمیت مسئولیت اجتماعی شرکت های نفتی، توسعه آن و آموزش به عنوان یکی از راهکارهای مسئولیت اجتماعی شرکت تأکید شود. در این مدل تأکید بر توسعه جوامع محلی، مشارکت در توسعه اجتماعی، گردش دانش، پشتیبانی از توسعه فرهنگی و ایجاد تفاهم میان شرکت های نفتی و نیروها و ساکنین جوامع محلی است.

اهداف

هدف کلی: هدف از این تحقیق بررسی نقش صنعت نفت در توسعه اجتماعی - فرهنگی زنان جوامع محلی (مناطق نفت خیز) با تکیه بر رویکرد مسئولیت اجتماعی شرکت های نفت و گاز بوده است. در این پژوهش، توسعه در حوزه اجتماعی از منظر ابعادی چون شهرگرایی، رشد آموزشی، تحرک اجتماعی، نابرابری اجتماعی و در حوزه فرهنگی از

منظورهای تغییر فرهنگی، ارزش‌های فرهنگی و نیز در حوزه مسئولیت اجتماعی از منظر تعهد به ارتقاء سطح کیفیت آموزشی مورد بررسی واقع شده است.

اهداف

- شناخت نقش صنعت نفت در رشد شهرگرایی زنان جوامع محلی
- شناخت نقش صنعت نفت در رشد آموزش زنان جوامع محلی
- شناخت نقش صنعت نفت در میزان نابرابری‌های اجتماعی از نظر جامعه تحت مطالعه
- شناخت نقش صنعت نفت در افزایش تحرک اجتماعی زنان جامعه مورد مطالعه
- شناخت نقش صنعت نفت در افزایش تغییرات فرهنگی جامعه مورد مطالعه
- شناخت نقش صنعت نفت در تغییرات ارزش‌های فرهنگی جامعه مورد مطالعه
- شناخت نقش صنعت نفت در مسئولیت‌پذیری اجتماعی نسبت به جامعه مورد مطالعه

پیشینه تحقیق

در زمینه نقش صنعت نفت در توسعه اجتماعی - فرهنگی زنان در جوامع محلی با رویکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی با جستجوی علمی متعددی که انجام شده در ایران و خارج پژوهش علمی مشابه انجام نگردیده است - در پژوهشی تحت عنوان تاثیر اجتماعی توسعه صنعتی در منطقه عسلویه که توسط طالبیان و همکاران (۱۳۸۷) انجام شده اینطور عنوان شده است: که بعد از ورود صنعت و قریب ۱۰ سال اجرای پروژه‌های صنعتی در این منطقه که سبب هزینه کردن چند میلیارد دلار سرمایه در این منطقه شده است. کماکان زندگی بومیان، زیرساخت‌های عمومی و شرایط کلی زندگی بیرون از مجتمع‌های صنعتی کاملاً توسعه نیافته باقی مانده است.

--فاضلی و همکارانش (۱۳۸۷) در تحقیقی تحت عنوان پیامدهای اجتماعی و فرهنگی استقرار تاسیسات نفت و گاز در جزیره خارک به این نتایج دست یافته‌اند: تورم و افزایش هزینه زندگی در جزیره ناشی از فعالیت‌های صنعتی و ورود تعداد زیادی نیروی انسانی، بومیانی را که به واسطه از دست رفتن اقتصاد سنتی زیان دیده‌اند دچار مشکلات عدیده‌ای کرده است. درگیرهای اجتماعی ناشی از وضع نامناسب توسعه اجتماعی در خارک بدلیل اولویت دادن به توسعه صنعتی - عفاف ابراهیم (۱۹۸۲) در مقاله‌ای تحت عنوان تاثیر مدرنیته بر زنان کویت چنین می‌نویسد: زنانی که دارای تحصیلات بیشتری هستند تمایل بیشتری دارند که در تصمیمات خانوادگی به طور موثرتر حضور داشته باشند.

-تئوری‌های جامعه‌شناختی مدرنیته مقاله‌ای است که آر. اینگلهارت (۲۰۰۱) به چاپ رسانده است. وی در این مقاله بر ویژگی‌ها و خصوصیات جوامع نوسازی شده اشاره می‌کند و می‌افزاید: نوسازی شامل شهرگرایی، کاربرد علم و تکنولوژی، تخصصی شدن، افزایش بوروکراسی، افزایش سطح سواد است، اما هسته اصلی فرایند نوسازی صنعتی شدن می‌باشد که باعث خروج جوامع از فقر و نیاز به کشاورزی معیشتی است.

فرضیه:

۱- به نظر می رسد بین تاسیس و توسعه صنعت نفت و رشد شهر گرایی زنان جامعه مورد مطالعه رابطه معنا داری وجود دارد.

۲ -به نظر می رسد بین تاسیس و توسعه صنعت نفت و رشد آموزش زنان جامعه مورد مطالعه رابطه معنا داری وجود دارد.

۳- به نظر می رسد بین تاسیس و توسعه صنعت نفت و میزان نابرابری های اجتماعی از نظر جامعه تحت مطالعه رابطه معنا داری وجود دارد.

۴ -به نظر می رسد بین تاسیس و توسعه صنعت نفت و افزایش تحرک اجتماعی زنان جامعه مورد مطالعه رابطه معنا داری وجود دارد.

۵ -به نظر می رسد بین تاسیس و توسعه صنعت نفت و افزایش تغییرات فرهنگی زنان جامعه مورد مطالعه رابطه معنا داری وجود دارد.

۶ -به نظر می رسد بین تاسیس و توسعه صنعت نفت تغییرات ارزشهای فرهنگی زنان جامعه مورد مطالعه رابطه معنا داری وجود دارد.

۷ -به نظر می رسد بین توسعه صنعت نفت و نامتوازن بودن نقش مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت های نفتی (با تاکید بر ارتقاء کیفیت آموزشی) نسبت به جامعه مورد مطالعه رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایش انجام گردید. دلیل انتخاب پیمایش به عنوان روش تحقیق ، این است که به داده هایی نیاز می باشد که نگرش های افراد را مشخص کند. به همین خاطر باید از افراد سوال می شد تا نظرات خود را بیان کنند. دلیل دیگر این است که از طریق پیمایش امکان مقایسه پاسخ ها و تحلیل های آماری فراهم می گردد. (دواس ۱۳۸۲: ۱۴).

در این تحقیق از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شد. در این روش معمولاً از طریق منطقه بندی (کنگان ، دیر ، جم و عسلویه) و نهایتاً شهرستان دیر انتخاب گردید و در شهرستان دیر با منطقه بندی و بلوک بندی به خوشه ای می رسیم و آن خوشه ها را به خوشه های کوچکتر تبدیل می کنیم تا به نمونه مورد نظر دست یابیم

جامعه آماری

- جامعه آماری این تحقیق را تمامی دختران و زنان ۱۸ تا ۵۵ سال شهرستان دیر تشکیل می دهند که بصورت تصادفی ساده انتخاب شده اند .

در این تحقیق پرسشنامه جمع آوری اطلاعات استفاده شده است سوالات پرسشنامه از سوالات محقق ساخته شده است. و پس از جمع آوری اطلاعات پردازش آن به وسیله نرم افزار SPSS انجام گرفت. آزمون های مورد استفاده در این تحقیق آزمون t تک نمونه ای می باشد.

اعتبار و پایایی پرسشنامه:

اعتبار سنجی های این تحقیق به شیوه روایی صورتی انجام گرفت. در شیوه روایی صورتی، مبنای داوری متخصصان رشته مورد بررسی می باشد. به این صورت که سنجی ها را به صاحب نظران متخصص این رشته قرار می دهیم تا در این مورد که سنجی ها موضوع مورد تحقیق را می سنجد یا نه نظرشان را بدهند (ساروخانی، ۱۳۸۷). برای پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. بدین صورت که تعداد ۴۰ پرسشنامه توزیع و جمع آوری گردید و با محاسبه آلفای کرونباخ پایایی مورد بررسی قرار گرفت. میزان آلفا بین صفر و یک در نوسان است و هرچه این میزان به یک نزدیکتر باشد بهتر است.

یافته ها

از مجموع ۳۷۰ پاسخگو در این پژوهش بیشترین فراوانی در گروه سنی ۲۹ تا ۳۹ سال با ۴۷ درصد و همچنین از نظر میزان تحصیلات بیشترین فراوانی در گروه تحصیلی لیسانس با ۳۸ درصد مشاهده شده است. ۳۲ درصد از افراد در رده شغلی متوسط ارزیابی شده اند. و ۵۲ درصد از پاسخگویان به لحاظ اجتماعی و اقتصادی خود را در سطح متوسط ارزیابی می کنند. ۳۹ درصد از پاسخگویان به لحاظ شغلی و خانوادگی مرتبط با شرکت نفت و باقی آنها یعنی ۵۱ درصد غیر مرتبط با شرکت نفت هستند.

در حوزه اجتماعی میانگین متغیرها به ترتیب نا برابری اجتماعی با میزان ۴/۱ از (۵) در مرتبه اول، شهر گرایی با میانگین ۳/۵۷، رشد آموزش با میانگین ۲/۷ مراتب بعدی قرار گرفتند.

در حوزه فرهنگی میانگین متغیرها به ترتیب تغییرات فرهنگی ۱۴/۲ از (۵) و ارزشهای فرهنگی با میانگین ۳/۹ قرار گرفته اند.

در حوزه مسئولیت پذیری شرکت های نفتی نامتوازن بودن نقش مسئولیت پذیری با تاکید بر ارتقاء کیفیت آموزشی ۴/۴ میانگین از (۵) گرفتند.

نتایج

فرضیه شماره ۱: مبنی بر معنادار بودن رابطه بین تاسیس و توسعه صنعت نفت و شهر گرایی زنان جامعه مورد مطالعه پذیرفته می شود. به عبارت دیگر از دیدگاه زنان، صنعت نفت باعث توسعه شهر گرایی گردیده است. (میانگین ۳/۵۷)

فرضیه شماره ۲: مبنی بر معنادار بودن رابطه بین تاسیس و توسعه صنعت نفت و رشد آموزش زنان جامعه مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد به عبارت دیگر می توان گفت از دیدگاه زنان، صنعت نفت باعث گسترش آموزش شده است. (میانگین ۲/۷)

فرضیه شماره ۳: مبنی بر معنادار بودن رابطه بین تاسیس و توسعه صنعت نفت و میزان نابرابری های اجتماعی از نظر جامعه تحت مطالعه رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر می توان گفت از دیدگاه زنان، صنعت نفت باعث گسترش ایجاد نابرابری اجتماعی شده است. (میانگین ۴/۱)

فرضیه شماره ۴: مبنی بر معنادار بودن رابطه بین تاسیس و توسعه صنعت نفت و میزان تحرک اجتماعی از نظر جامعه تحت مطالعه رابطه معنا داری وجود ندارد. به عبارت دیگر می توان گفت از دیدگاه زنان، صنعت نفت باعث گسترش تحرک اجتماعی زنان جامعه محلی نشده است. (H صفر)

فرضیه شماره ۵: مبنی بر معنادار بودن رابطه بین تاسیس و توسعه صنعت نفت و افزایش تغییرات فرهنگی زنان جامعه مورد مطالعه رابطه معنا داری وجود دارد. به عبارت دیگر می توان گفت از دیدگاه زنان، صنعت نفت باعث گسترش تغییرات فرهنگی در جامعه محلی شده است. (میانگین ۴/۲)

فرضیه شماره ۶: مبنی بر معنادار بودن رابطه بین تاسیس و توسعه صنعت نفت و تغییرات ارزشهای فرهنگی زنان جامعه مورد مطالعه رابطه معنا داری وجود دارد. به عبارت دیگر می توان گفت از دیدگاه زنان، صنعت نفت باعث ایجاد تغییرات در ارزشهای فرهنگی جامعه محلی شده است. (میانگین ۳/۹)

فرضیه شماره ۷: به نظر می رسد بین توسعه صنعت نفت و نامتوازن بودن نقش مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت های نفتی (با تاکید بر ارتقاء کیفیت آموزشی) نسبت به جامعه مورد مطالعه رابطه معنا داری موجود دارد. به عبارت دیگر می توان گفت از دیدگاه زنان، نقش شرکت های نفتی در مسئولیت پذیری اجتماعی نامتوازن بوده است. (میانگین ۴/۴)

یافته ها بیانگر این مهم هستند که در حوزه توسعه اجتماعی: ورود صنعت نفت در جوامع محلی در تغییر و شیوه سبک زندگی، ایجاد نابرابری اجتماعی در بین جوامع محلی، رشد آموزش در بین زنان از بعد توسعه اجتماعی اثر گذار بوده است ولی این امر درخصوص حضور زن در جامعه و فعالیت مستقیم او که یکی از شاخص های اصلی توسعه یافتگی است ناموفق عمل کرده است. و تحرک اجتماعی که می تواند ملاک مشارکت زنان و تاثیر گذار در توانمند سازی، رفاه اجتماعی زنان بعنوان نیروهای فعال جامعه در این پژوهش رد گردیده است. این در حالی است که حضور زنان در سازمان هایی که بخشی از جامعه مدنی هستند بسیار مهم است.

در بخش توسعه فرهنگی: تغییرات فرهنگی و ارزشهای فرهنگی دو مورد بسیار با اهمیت هستند با ورود صنعت نفت به جوامع محلی دستخوش تغییراتی گردیده است فرهنگ، پایه و اساس رفتار انسانی است و در نهایت اینکه قسمت اعظم رفتار انسانی بر اساس باورهای فرهنگی صورت می گیرد؛ بنابراین بخش قابل توجهی از رفتارهای سیاسی، خاصه مشارکت سیاسی زنان بر این بنیان استوار است و نیازمند باورهای فرهنگی مناسب و سازگار با توسعه سیاست فرهنگی است. این خود بیانگر این مهم می باشد که صنعت نفت برای گسترش توانایی ها، ظرفیت فکری، کیفیت دانش و مهارت های فنی، خلاقیت و نوآوری، توانایی انسانها برای حل مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و بهره مندی از منابع، دستاوردها و امکانات و بهبود شرایط زندگی مادی و معنوی برای همگان مایست یک سیاست فرهنگی مطابق با شرایط جوامع محلی برای ایجاد همسازی با آنان بکار گیرد.

در حوزه مسئولیت اجتماعی :

مسئولیت اجتماعی، تعهد تصمیم‌گیران برای اقداماتی است که به طور کلی علاوه بر تامین منافع خودشان، موجبات بهبود رفاه جامعه را نیز فراهم می‌آورند و در این پژوهش جامعه هدف مسئولیت پذیری شرکت های نفتی بخصوص در زمینه ارتقاء کیفیت آموزش که گامی بلند در متوازن کردن توسعه پایدار در جوامع محلی می‌تواند باشد ناهماهنگ و در واقع ضعیف بیان نموده اند این در حالی است که توجه به این شاخص و انجام اقدامات متناسب و سازگار با خواست و حساسیتهای جامعه در توسعه نقش صنعت نفت گامی مهم است ، مسئولیت اجتماعی شرکت ها یکی از برنامه های استراتژیک است که می تواند توسط شرکت ها در رابطه با سود و مزایای پایدار اجتماعی با آگاهی ، مطالعه و برنامه ریزی مناسب نسبت به جوامع محلی به درستی انجام گردد. و با دخالت های موثر و آگاهانه در فعالیتهای اجتماعی باعث کاهش اثرات مخرب کسب و کار بر جامعه و محیط طبیعی شوند .

بحث

توسعه فقط به کاربری نظریه های توسعه و مدل های رشد نیست بلکه توسعه ، محصول است و دستیابی به این محصول به سخت کوشی ، خلاقیت ، ابتکار و صرف وقت نیاز دارد. توسعه فرایندی تحولی است. از این رو شناخت مردم ، فرهنگ ، تاریخ ، مذهب ، اعتقادات ، نگرش ها و احساساتشان مساله بسیار مهمی است .

نتایج مهم این تحقیق:

۱- به نابرابری فرصت های زندگی اساسا به معنای احتمال دسترسی هر شخص با پایگاهی معین به هدف های ویژه یا ناکامی های ویژه است . فرصت های زندگی به صورتی متراکم شده نابرابری ها و تبعیض های اجتماعی موجود در ساختار نظام های اجتماعی مستقر در جوامع که توسعه اقتصادی باعث ایجاد نابرابری میان اقشار و طبقات بخصوص زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می دهند نمود عینی تری دارد و عدم مشارکت در شرایط توسعه و عدم برخورداری از آموزش ها که موثر درافزایش تحرک اجتماعی ، کاهش نابرابری اجتماعی و تصحیح شیوه و سبک زندگی است منعکس می نماید.

۲- عدم دسترسی زنان به انواع آموزشها و یا دسترسی نامناسب آنان در برخی موارد باعث خواهد شد تا آگاهی زنان در امور مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بسیار کم باشد. این ناآگاهی ها تا جایی آمده و ریشه دوانیده است که به صورت عنصری فرهنگی یا مجموعه ای از عناصر فرهنگی در آمده است و بسیار اتفاق می افتد که مورد قبول و احترام آحاد مختلف افراد جامعه انسانی از زن و مرد و کوچک و بزرگ می باشد در بسیاری از کتب و منابع، مقدمه آگاهی برای آموزش و آموزش دیدن، سوادآموزی دیده نشده است. اما واضح است زنانی که به سوادآموزی می پردازند در جامعه و خانواده احترام بیشتری کسب می کنند. در جستن کار و

کاریابی از شرایط و مهارت‌های بهتر و بیشتری برخوردارند و بدیهی است می‌توانند حقوق بیشتری دریافت نمایند. زنان برای اداره مشاغل کوچک، استعداد بیشتر و بهتری دارند و سوابق و امتیازات آن را برای خود محفوظ نگاه می‌دارند، می‌توانند نقش رهبری و مدیریت خود را تقویت نمایند و حقوق خود را بهتر بشناسند و برای کمک به تحصیل فرزندانشان از موقعیت بهتری برخوردار گردند.

۳- استانی همچون بوشهر به دلیل اینکه عمده‌تأ با مرکز سیاسی کشور فاصله دارد و به اصطلاح منزوی هست؛ و این مسئله نشأت گرفته از وجود ساختار خاص نظام برنامه ریزی و به کارگیری الگوهای عاریتی، چون الگوی توسعه «مرکز - پیرامون» است.

از طرفی بدیهی است که؛ در استانها اکثر سرمایه گذاری ها در بخش مرکزی باشد و به شهرستانها کمتر توجه شود. پس «به نظر می‌رسد الگوهای توسعه بهتر است با توجه به شرایط طبیعی، اجتماعی، و فرهنگی انتخاب شوند.

و در نظام برنامه ریزی: منطقه و دوری از مرکز در برنامه ریزی بخشی بیشتر توجه شود

۴- برای بهبود شاخص های توسعه فرهنگی زنان درچنین جوامعی : کاهش پراکندگی توسعه فرهنگی که شامل : تغییر دادن اولویت های تخصیص منابع فرهنگی ، ایجاد امکانات و زیر ساخت ها به نفع شهرستان هایی که با توسعه فرهنگی پایین تری روبرو هستند ، افزایش نرخ باسوادی، گسترش آموزش عالی و تمرکززدایی از یک شهر ، توجه به زیر ساخت های فرهنگی همچون کتابخانه ها، تأسیسات و تجهیزات آموزشی، توجه به انتشار روزنامه های محلی، نشریات ادواری، افزایش مرکز نشر، و توسعه تولید برنامه های صدا و سیما که موثر بر رفع نابرابری ها اجتماعی است و نزدیک تر شدن به عدالت اجتماعی پیشنهاد می شود

۵- در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکت های نفتی :

- دسترسی افراد ذینفع به شرکت های نفتی جهت ارائه نظرات و پیشنهادات و مشارکت در فرآیند تصمیم گیری ها که باعث کاهش نابرابری اجتماعی و مشارکت زنان و افزایش تحرک اجتماعی می گردد.

- شناسایی فرصتها و استفاده از ظرفیتهای بومی و محلی منطقه در تهیه کالا و خدمات مورد نیاز در جهت ارتقاء سطح زندگی جوامع محلی

- کمک به ساخت ظرفیتهای بومی در خدمات زیر بنایی و حمایت محیطی با ایجاد فرصت های آموزشی و ارتقاء دانش که نهایتاً به گسترش مسئولیت اجتماعی شرکت های نفتی منجر می گردد.

- افزایش ظرفیت انسانی بواسطه انتقال بهترین شیوه ها از طریق آموزش های گروهی ، گسترش وسایل ارتباط جمعی، گسترش اینترنت راه را برای ارتقاء توسعه محلی باز کند.

- سرمایه گذاری اجتماعی جهت برآوردن نیازهای اجتماع محلی و شرکت های نفتی مستقر در منطقه

- حمایت از منابع فرهنگی اجتماعات محلی از طریق شناسایی، حفظ و حراست از آداب و رسوم و سنن

ساکتین محلی

- شامل کردن اجتماعات محلی در فهم بهتر از تأثیرات مثبت و منفی وجود شرکت های نفتی رعایت موارد پیشگفت در آثار مثبت مسئولیت اجتماعی بر عملکرد و موفقیت صنعت نفت اثر گذار می باشد.

منابع

- ۱- از کیا ، مصطفی و همکاران (۱۳۸۹) ، نظریه های اجتماعی معاصر با رویکرد توسعه ، تهران انتشارات علم ، چاپ اول
- ۲- اسملسر ، نیل (۱۹۶۳) ، به سوی نظریه ای در نوسازی ، ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی ، اقتصاد کشاورزی و توسعه ، تابستان ۱۳۷۲ ، شماره ۲ ، صفحه ۱۴۸
- ۳- تودارو ، مایکل (۱۳۷۱) ، توسعه اقتصادی جهان سوم ، ترجمه غلامعلی فرجادی ، جلد اول ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- ۴- توحید فام، محمد، ۱۳۸۶، «موانع توسعه فرهنگی www.aftab.ir/Articel»، تهران»
- ۵- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶، «جامعه شناسی» ترجمه حسن چاوشیان، نشرنی، تهران.
- ۶- مسلمی ، عبدالرضا، فضلی، هوشنگ، اسماعیل پور، نوید، (۱۳۸۵)، مقاله بررسی ویژگیهای اجتماعی - اقتصادی جوامع محلی در حوزه های نفتی
- 7- Rietberg, Jennifer, Cracken, Mc, Narayan, Deepa,(1998), Participation Social Assessment, (Tools and Techniques) ,Word bank.